

بررسی و مقایسه میزان ادبیت باب ششم گلستان سعدی و ترجمه روسی آن
بر اساس معادله بوزیمان
مهنوش اسکندری^۱، علی سعیدی^۲

چکیده

یکی از مسائل مهم در ترجمه آثار شاخص ادبی، میزان ادبیت متن ترجمه در مقایسه با متن اصلی است. در سبک‌شناسی آماری با بررسی فرم و محتوای آثار، می‌توان به میزان ادبیت متون دست یافت. بوزیمان، زبانشناس آلمانی معادله‌ای را برای بررسی میزان ادبیت متون ادبی معرفی کرده است. در این معادله نسبت فعل به صفت (VAR)، محاسبه می‌گردد و هر چه خارج قسمت بزرگ‌تر باشد، متن مورد بررسی از ادبیت بیشتری برخوردار است. بالعکس، اگر خارج قسمت عدد کوچکی باشد، متن به سبک علمی نزدیک‌تر می‌شود. در پژوهش حاضر، ابتدا معادله بوزیمان را برای استفاده در متون روسی بومی‌سازی کردیم. سپس حکایت‌های باب ششم گلستان سعدی و ترجمه آن‌ها به قلم علیف و استاراستین را از منظر میزان ادبیت، مورد واکاوی قرار دادیم. بررسی‌های انجام‌شده نشان داد که میزان ادبیت باب ششم، بیشتر از ترجمه آن است. اما ترجمه علیف و استاراستین به دلیل سودبردن از ترجمه شعر به شعر، جوانی مترجمان و استفاده از کلمات هم‌قافیه و جناس لفظی و معنوی در زبان روسی در مواجهه با نثر مسجع گلستان، ترجمه قابل‌قبولی است و می‌توان گفت که مترجمان در ترجمه و انتقال ادبیت متن گلستان به زبان روسی، موفق عمل کرده‌اند.

واژگان کلیدی: معادله بوزیمان، گلستان سعدی، باب ششم گلستان، سبک‌شناسی آماری، نسبت فعل به صفت

دوره بیستم شماره ۲۰، بهار و تابستان ۱۴۰۲

۱. دانشیار گروه زبان روسی دانشگاه علامه طباطبایی (ره)، (نویسنده مسئول) پست‌الکترونیک:

m_eskandary@atu.ac.ir

۲. دکترای آموزش زبان روسی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه تهران، تهران، ایران،

پست‌الکترونیک: ali.saeidi64@ut.ac.ir

مقدمه

یکی از دقیق‌ترین مکاتب در حوزه نقد ادبی، سبک‌شناسی آماری است. در سبک‌شناسی آماری برای دستیابی به سبک اثر مورد مطالعه، از تحلیل کمی و آماری استفاده می‌شود. یکی از روش‌های سبک‌شناسی آماری که اخیراً مورد استقبال پژوهشگران قرار گرفته، معادله بوزیمان می‌باشد. بوزیمان (Busemann)، زبان‌شناس آلمانی برای نخستین بار آن را مطرح کرد و در سال ۱۹۲۵ میلادی پس از به‌کارگیری در متون آلمانی، در بررسی‌های سبک‌شناسی آماری متون مختلف مطرح شد و مورد استفاده قرار گرفت.

«سبک‌شناسی از جمله سبک‌شناسی آماری از میان گونه‌های کاربرد زبان، بیش از همه به زبان در ادبیات توجه نشان می‌دهد و بخش عمده پژوهش‌ها در این شاخه مطالعاتی، بر شناسایی سبک‌های ادبی، زبان شخصی و فردیت خلاق مؤلف متمرکز است؛ زیرا هنر در ماندگارترین صورتش، قلمرو خلاقیت فردی و زمینه ظهور فردیت است. از این رو، طبیعی است که گوناگونی سبک‌های شخصی و عمومی در هنر و به‌ویژه در ادبیات، بیش از سایر زمینه‌های زندگی آدمی باشد» (فتوحی، منمود ۱۳۹۱: ۶۵).

«بوزیمان در معادله خود از دو اصطلاح «تعبیر فعلی» و «تعبیر وصفی» استفاده کرده است. وی بیان می‌کند که تعبیر فعلی، بر حدوث و وقوع کاری دلالت می‌کند و تعبیر وصفی، شامل کلمات و عبارتهایی است که فقط بر صفت و ویژگی‌های یک شیء اشاره می‌کنند که این ویژگی‌ها می‌توانند کمی یا کیفی باشند (ناعمی و ترابی‌حور ۱۲۴)

در معادله بوزیمان، تعداد فعل‌ها و صفت‌ها در متن مورد بررسی محاسبه می‌شود و خارج قسمت تقسیم تعداد فعل بر صفت، بیانگر میزان ادبیت سبک متن مورد بررسی است. شمار بیشتر فعل نسبت به صفت، متن را ادبی‌تر و پیشی گرفتن تعداد صفت نسبت به فعل در متن، از ادبیت متن می‌کاهد و سبک آن متن را به سبک علمی نزدیک‌تر می‌کند. جستار حاضر بر آن است با تکیه بر معادله بوزیمان، میزان ادبیت باب ششم گلستان سعدی، به‌عنوان نماینده کل گلستان و نیز میزان ادبیت ترجمه همین باب به زبان روسی به قلم علیف و استاراستین (Алиев и Старостин) را مورد بررسی قرار دهد و با مقایسه عدد VAR (ن.ف.ص) و همچنین بررسی عوامل ساختاری و محتوایی تاثیرگذار بر میزان ادبیت متن، ترجمه یادشده را به‌صورت علمی و دقیق از حیث ادبیت بسنجد.

ضرورت، اهمیت و هدف

با توجه به اینکه تا کنون پژوهشی بر اساس معادله بوزیمان در زبان روسی انجام نشده، ضرورت انجام این پژوهش با این عنوان و رویکرد حس شد. در پژوهش حاضر، به بررسی مقایسه‌ای میزان ادبیت متن گلستان سعدی و ترجمه روسی آن با این هدف می‌پردازیم که آیا مترجم روس از عهده انتقال درست سبک ادبی در یکی از بهترین آثار ادبی زبان فارسی به مخاطب روس برآمده است یا خیر. هدف این پژوهش گشودن راهی جدید فراروی محققان و پژوهشگران است در تحلیل آماری علمی و دقیق متون ادبی روسی و مقایسه آن‌ها با متون ادبی فارسی و یا مقایسه متون اصلی و ترجمه آن‌ها به زبان فارسی یا روسی.

پرسش‌های پژوهش

در مقاله حاضر سعی بر آن است تا به پرسش‌های زیر پاسخ داده شود:

- بر اساس معیارهای معادله بوزیمان، متن گلستان ادبی‌تر است یا متن ترجمه آن؟
- چه عواملی بر ادبیت سبک هر دو اثر، تاثیر گذاشته است؟

پیشینه پژوهش

با بررسی دقیق منابع موجود، پی بردیم که اکثر پژوهش‌هایی که بر اساس معادله بوزیمان به رشته تحریر درآمده‌اند، این معادله را در متون عربی به کار گرفته‌اند. البته به دلیل اینکه سعد مصلوح (۱۹۹۲)، زبان‌شناس مصری، معادله بوزیمان را برای بکارگیری در بررسی متون عربی، در زبان عربی بومی‌سازی کرده و شرایط تعیین فعل و صفت در زبان عربی را دقیقاً مشخص نموده و بر اساس این معادله، تعدادی از آثار عربی را نیز مورد بررسی قرار داده، راه بر پژوهشگران برای بررسی متون عربی، هموار شده است. طبق گفته ناعمی و ترابی‌حور، در پژوهش‌هایی که بر مبنای این معادله به زبان انگلیسی و آلمانی به رشته تحریر درآمده‌اند، شرایط خاص و پیچیده‌ای برای تشخیص صفت‌ها و افعال در نظر گرفته نشده است. این معادله در زبان فارسی نیز، که به زبان عربی نزدیک اما از پیچیدگی‌های زبان عربی به‌دور است، به راحتی قابل اجراست.

این معادله تا کنون در بررسی آثار روسی و یا ترجمه‌ای از زبان فارسی به روسی، بکار گرفته نشده و حتی بومی‌سازی این معادله برای بکارگیری در بررسی آثار روسی نیز صورت نگرفته است. در منابع روسی نیز پژوهشی با به‌کارگیری این معادله به رشته تحریر درنیامده است. در این مقاله، ابتدا با تکیه بر پژوهش‌های صورت‌گرفته در

زبان‌های عربی، فارسی، انگلیسی و آلمانی در این حوزه، شرایط تعیین فعل و صفت در آثار روسی مورد مذاقه و طبقه‌بندی قرار خواهد گرفت. سپس به بررسی تطبیقی سبک در فصل ششم گلستان سعدی و ترجمه روسی آن به قلم علیف و استاراستین (۱۹۵۷) بر اساس این معادله خواهیم پرداخت. در ادامه، به برخی از پژوهش‌های صورت‌گرفته در این موضوع اشاره می‌شود:

امیدوار و همکاران (۱۳۹۹) میزان ادبیت هاشمیات کمیت اسدی و حجازیات شریف رضی را بر اساس معادله بوزیمان بررسی کرده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که حجازیات شریف رضی، ادبی‌تر از هاشمیات کمیت اسدی است.

صدقی و روستایی (۱۳۹۳) نمونه‌هایی از شعر کلاسیک، سپید و آزاد را طبق این معادله بررسی کرده‌اند و نتیجه گرفته‌اند که شعر آزاد از دو نوع دیگر ادبی‌تر است، زیرا شاعر در تنگنای وزن و قافیه قرار ندارد.

ناعمی و ترابی‌حور (۱۳۹۸) در پژوهشی با تکیه بر معادله بوزیمان، به بررسی ادبیت سبک مجموعه شعری «قالت لی السمراء» نزار قبانی و «رستاخیز» سیمین بهبهانی می‌پردازند و با توجه به جنسیت نویسنده و نسبت فعل به صفت، به این نتیجه می‌رسند که سبک سیمین بهبهانی، از ادبیت بیشتری برخوردار است. البته جنسیت یا زن بودن سیمین بهبهانی بر نتیجه تحقیق، تاثیر مستقیم داشته است.

شمس‌آبادی و همکاران (۱۴۰۰) نیز با تکیه بر این معادله، به واکاوی بوطیقای نوشتار زنانه در داستانی از هیفاء بیطار می‌پردازند و نتیجه می‌گیرند بکارگیری مقولات سبک خاص زنانه در این داستان، باعث نزدیک شدن آن به نوشتار مردانه شده است.

صدقی و زارع‌برمی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای به بررسی سبک شناختی مقامات همدانی و حریری پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که نسبت بیشتر فعل به صفت در مقامات همدانی، آن را ادبی‌تر از مقامات حریری کرده است.

امیری و پروین (۱۳۹۵) معادله بوزیمان را در بررسی سبک خطبه‌های نهج البلاغه بکار می‌گیرند. بر اساس نتایج این پژوهش، در خطبه‌ها و نامه‌های نهج البلاغه، سبک ادبی مشخصی دیده می‌شود که از قوانین و ضوابط بیانی خاص پیروی می‌کند.

با در نظر گرفتن پیشینه‌ای که در بالا اشاره شد، می‌توان گفت امتیاز و نوآوری پژوهش حاضر در آن است که برای نخستین بار به اجرای این معادله در یک اثر به زبان روسی و مقایسه آن با زبان فارسی می‌پردازد. همچنین بومی‌سازی معادله بوزیمان را

برای به‌کارگیری در بررسی آماری آثار به زبان روسی، برای نخستین بار در این مقاله ملاحظه میفرمایید.

چهارچوب نظری

به گفته وردانک (4 Verdonk) «سبک‌شناسی، دانش بررسی سبک است و می‌توان آن را تحلیل بیان‌های متمایز در زبان و توصیف اهداف و تأثیرات آن تعریف نمود». در دهه‌های اخیر، بررسی سبک آثار و تحلیل این آثار بر اساس آمار، مورد توجه پژوهشگران و تحلیلگران قرار گرفته است. سبک‌شناسی آماری، «شاخه‌ای از سبک‌شناسی زبان است که بسامد یا به بیان دیگر، آمار وقوع عناصر و طرح‌های سبکی را در متون ادبی بررسی می‌کند» (ناعمی و ترابی حور ۱۲۶). گرچه این شاخه از سبک‌شناسی، منتقدانی مانند محمد حماسه عبداللطیف، منتقد مصری، دارد، اما به گفته منتقد دیگر مصری، سعد مصلوح، این روش «عالمانه‌ترین و دقیق‌ترین مکاتب نقدی است که در عصر کنونی پدید آمده است» (مصلوح ۱۸).

امروزه بسیاری از بررسی‌های سبک‌شناسانه متون ادبی، به‌مدد سبک‌شناسی آماری صورت می‌پذیرد. البته برای بررسی دقیق و علمی‌تر متون ادبی با این گرایش، باید به سه نکته توجه داشت: ۱) امر مورد شمارش را با دقت تعریف کرد؛ ۲) از فردی (که بتواند درست و دقیق بشمارد) یا از کامپیوتر کمک گرفت؛ ۳) مطمئن شد که آمارها مرتبط با موضوع بحث هستند (Hough 59).

معادله بوزیمان

این معادله، شاخه‌ای از سبک‌شناسی آماری بر پایه روان‌شناسی است که میزان ادبیت یا علمی بودن آثار را بر اساس نسبت کاربرد فعل به صفت در اثر مورد نظر، می‌سنجد. آ. بوزیمان، زبانشناس و تحلیلگر آلمانی، برای نخستین بار این معادله را مطرح کرد و سعد مصلوح آن را با زبان عربی تطبیق داد تا پژوهشگران بتوانند آثار ادبی عربی را نیز بر این اساس، ارزیابی کنند.

بوزیمان در روند بررسی داستان‌های کودکان، به این نتیجه رسید که میزان استفاده کودکان از افعال، بسیار بیشتر از صفت‌ها می‌باشد. او همچنین به این نکته پی برد که افراد آرام و احساساتی بیش از سایر افراد، در کلام خود از فعل استفاده می‌کنند و میزان استفاده از فعل در گفتگوی شفاهی افراد، بیش از نوشتار کتبی است (برای آگاهی بیشتر،

به مصلوح ۷۴ مراجعه شود) و جرقه این معادله در ذهن او ایجاد شد. بوزیمان این عقیده را مطرح کرد که برای تمیزدادن متن ادبی از دیگر انواع متون، باید تعداد فعل‌های موجود در متن را بر تعداد صفت‌های موجود در همان متن، تقسیم کرد و خارج قسمت این تقسیم، بیانگر میزان ادبیت یا علمی بودن متن مورد بررسی می‌باشد. هرچه خارج قسمت بزرگ‌تر باشد، متن به سبک ادبی یا انفعالی نزدیک‌تر می‌شود. اگر خارج قسمت کوچک، یعنی تعداد صفت‌ها در متن مساوی یا بیشتر از فعل‌های موجود در متن باشند، متن مورد نظر به سبک علمی یا ذهنی گرایش دارد. روش بررسی متن بر اساس این معادله به ترتیب زیر است:

۱. فعل‌ها و صفت‌ها بر اساس معیارهای معادله بوزیمان در متن مورد بررسی، شمرده می‌شوند.
۲. عدد به‌دست‌آمده از شمارش افعال را بر تعداد صفت‌های موجود در متن، تقسیم می‌کنیم.
۳. خارج قسمت را به صورت اختصاری (VAR) Verb-Adjective-Ratio یا «ن.ف.ص.» (نسبت فعل به صفت) بزرگ‌تر، نمایانگر ادبی بودن اثر مورد مطالعه و خارج قسمت کوچکتر، بیانگر نزدیک شدن سبک متن به سبک علمی است.

شرایط تعیین فعل و صفت در زبان فارسی

با توجه به پیچیدگی‌های زبان عربی، شرایط خاصی برای تعیین فعل و صفت در این زبان وجود دارد که مصلوح به آن‌ها اشاره می‌کند. این معادله در زبان فارسی با الگوگیری از آنچه مصلوح برای زبان عربی وضع کرده، قابل اجرا می‌باشد، زیرا زبان فارسی به زبان عربی شبیه و فاقد پیچیدگی‌های خاص آن زبان است.

از آنجایی که زمان وقوع کار یا روی دادن حالت، یعنی زمان افعال در زبان‌های عربی و فارسی به سه زمان «حال»، «گذشته» و «آینده» برمی‌گردد، مانند آنچه مصلوح درباره زبان عربی گفته، افعالی که در زبان فارسی به این سه زمان اشاره می‌کنند را در شمارش به حساب می‌آوریم. افعال کمکی که به وقوع کار در زمانی معین اشاره نمی‌کنند را مورد شمارش قرار نمی‌دهیم. بنابراین، افعال اسنادی از دایره شمارش خارج می‌شوند: «افعال اسنادی، فعل‌هایی هستند که در ساختمان جمله اسمیه بکار می‌روند و مسند را به مسندالیه (نهاد) نسبت می‌دهند. این فعل‌ها که در زبان فارسی نسبت به عربی، شمار

کمتر و وظایفی مشابه افعال ربطی دارند، عبارتند از: «است، بود، شد، گشت، گردید، ماند (به معنی شد)، افتاد (به معنی است)، آمد (به معنی شد و گشت). چنانچه «است و بود» به معنی «هست»؛ «گشت و گردید» به معنی «چرخیدن و جستجو کردن» و «شد» به معنی «رفت، افتاد و ماند» باشند، فعل ربطی به شمار نمی آید؛ بلکه تام هستند و در این صورت، جزء محاسبات قرار می گیرند (ناعمی و ترابی حور ۱۳۰).

صفت، کلمه‌ای است که حالت اسم را وصف می‌کند. به گفته خیام‌پور «صفت برای مقید ساختن اسم و به عبارتی دیگر، برای بیان چگونگی و حالت اسم وضع شده است» (خیام‌پور ۴۹). با در نظر گرفتن جایگاه صفت نسبت به اسمی که آن را توصیف می‌کند، صفت‌ها را به دو دسته «پیشین» و «پسین» تقسیم می‌کنند. «صفت‌های پیشین عبارتند از: صفت اشاره، پرسشی، تعجبی، مبهم، شمارشی اصلی و شمارشی ترتیبی. صفت‌های پسین عبارتند از: صفت شمارشی، ترتیبی نوع دوم و بیانی» (مدرسی ۲۱۵). صفت‌هایی که در زبان فارسی در معادله بوزیمان مورد محاسبه قرار می‌گیرند، عبارتند از:

- صفت مطلق: صفتی که بیانگر مقایسه نیست و در آخر آن لفظ «تر» یا «ترین» وجود نداشته باشد؛ مانند «خوب»، «بد».
- صفت تفضیلی: این صفت برای مقایسه بکار می‌رود و بارزترین نشانه آن، افزودن لفظ «تر» به آخر صفت مطلق است؛ مانند «آسان‌تر».
- صفت عالی: صفتی است که برتری موصوف را بر دیگران بیان می‌کند و نشانه آن «ترین» است؛ مانند «بهترین».
- صفت ترکیبی: صفتی است که از دو کلمه یا بیشتر ترکیب شده باشد و صفت دوم به صفت اول معطوف می‌شود؛ مانند «زشت و زیبا».
- صفت فاعلی: «صفتی است که نشان می‌دهد موصوف، کننده کار یا دارنده حالتی است» (عماد افشار ۶۲)؛ مانند «پرستنده»، «گریان»، «توانا» و «فراموشکار».
- صفت مفعولی: صفتی است که از فعل گذرا به مفعول یا متعدی ساخته می‌شود و به این دلیل که معمولاً از «ماده ماضی نقلی ساخته می‌شود، در زبان‌های خارجی آن را صفت فعلی گذشته می‌نامند» (فرشیدورد ۱۰۸).
- صفت اشاره: صفتی پیشین است که برای اشاره به دور یا نزدیک بکار می‌رود؛ مانند «این» و «آن».

- صفت پرسشی: «هرگاه ضمائر پرسشی پیش از اسم بیایند، صفت به شمار می‌آیند و وابسته اسم هستند» (وفایی ۱۳۹۰: ۴۲); مانند «چه» و «چگونه».
- صفت شمارشی: «کلمه‌ای است که اغلب نقش صفت می‌گیرد، چه قبل از اسم بیاید و چه بعد از آن و چهار نوع است: صفت شمارشی اصلی، ترتیبی، کسری و توزیعی» (نجاریان و رستمی ۳۰۴).
- صفت مبهم: صفتی است که به‌عنوان وابسته پیشین به‌همراه اسم می‌آید و چگونگی، شمار و مقدار موصوف را بیان می‌کند؛ مانند «هر»، «بعضی» و «همه».
- صفت تعجبی: دربردارنده تعجب‌گوینده از چگونگی موصوف است؛ مانند «چه».
- صفت مبالغه: «صفتی است که بر کثرت کار دلالت می‌کند و از الحاق کلمه کار به آخر اسم معنی درست می‌شود» (ذالنور ۰۲۱).
- صفت نسبی: صفتی است که نسبت شخص یا چیزی را به جایی یا شخص دیگری بیان می‌کند؛ مانند «پشمینه» و «ایرانی».
- صفت لیاقت: این صفت، شایستگی موصوف را بیان می‌کند؛ مانند «دیدنی» و «شنیدنی».

شرایط تعیین فعل و صفت در زبان روسی

به گفته ناعمی و ترابی‌حور (۱۳۹۸: ۱۲۹) «در پژوهش‌هایی که در ادبیات آلمانی و انگلیسی درباره معادله بوزیمان صورت گرفته، شرایط خاص و پیچیده‌ای برای تعیین فعل و صفت در نظر گرفته نشده است. یعنی شرایط خاص و استثنائی ندارد و پژوهشگر می‌تواند در گزینش فعل‌ها و صفت‌ها، تمامی فعل‌ها بجز فعل کمکی و تمامی صفت‌ها را در آمار خود قرار دهد».

از آنجایی که افعال زبان روسی نیز همانند زبان فارسی، عربی و انگلیسی بر انجام‌دادن کار یا روی‌دادن حالتی در سه زمان حال، گذشته و آینده دلالت دارند، تمامی افعال گذشته، حال و آینده در شمارش آماری محاسبه می‌شوند.

در زبان روسی نیز مانند زبان‌های آلمانی، انگلیسی، فارسی، عربی و غیره، افعال کمکی، که با فعلی دیگر همراه می‌شوند و درواقع کمک‌کننده فعل اصلی هستند، در ساختار جملات بکار می‌روند. افعال کمکی در زبان روسی پیش از فعل اصلی بکار می‌روند و بیانگر شخص، زمان و وجه هستند. یعنی ویژگی‌های دستوری فعل را بیان می‌کنند و فعل اصلی، دربردارنده معنای لغوی است. مهم‌ترین فعل کمکی زبان روسی «БЫТЬ»

است که می‌تواند به‌تنهایی، یعنی در نقش فعل اصلی غیرکمی و به‌معنای لغوی «بودن» در جمله استفاده شود. اگر این فعل در نقش فعل کمی بکار رود، معنای لغوی خود را از دست می‌دهد. از این نقش برای ساختن زمان آینده مرکب از ترکیب شکل صرف‌شده فعل «БЫТЬ» به‌علاوه شکل مصدری افعال گونه ناکامل (استمراری) استفاده می‌شود. علاوه بر فعل کمی «БЫТЬ»، افعال دیگری نیز در نقش فعل کمی در جملات روسی بکار می‌روند. این افعال هنگام ایفای نقش فعل کمی، معانی «شروع»، «ادامه»، «خاتمه» کار، «ضرورت»، «توانایی»، «خواستن»، «توانستن»، «آرزوی» انجام کار و غیره را به فعل اصلی می‌افزایند و برخی از آن‌ها عبارتند از: «начать, стать, кончить, мочь», «Хотеть, желать, мечтать, являться и др». این افعال نیز مانند فعل کمی «БЫТЬ» صرف می‌شوند، معانی دستوری شخص، وجه و زمان را به فعل اصلی اضافه می‌کنند و به‌همراه مصدر فعل اصلی که بیانگر معنای لغوی فعل است، بکار می‌روند. همان‌گونه که گفته شد، باید توجه داشت که برای محاسبه نسبت فعل به صفت در معادله بوزیمان، افعال کمی زبان روسی را مورد شمارش قرار نمی‌دهیم.

نحوه محاسبه صفت‌های روسی در معادله بوزیمان:

صفت‌ها در زبان روسی به سه دسته «کیفی» (quality adjectives)، «نسبی» (rela- tive adjectives) و «ملکی» (possessive adjectives) تقسیم می‌شوند. صفت‌های کیفی، ویژگی‌هایی از موصوف را بیان می‌کنند که می‌تواند به میزان کمتر یا بیشتر نیز بیان شود. یعنی صفت‌های کیفی می‌توانند بیانگر درجه یا شدت ویژگی بیان‌شده باشند و از آن‌ها صفت تفضیلی ساخته می‌شود. این صفت‌ها به ویژگی‌هایی مانند «اندازه و حجم»، «رنگ»، «طعم و مزه»، «وزن»، «گرمی و سردی» و «ویژگی‌ها و خصوصیات انسانی» اشاره می‌کنند.

ویژگی منحصر به فرد صفت‌های کیفی در زبان روسی این است که تنها از این صفت‌ها می‌توان «فرم کوتاه» (short adjectives) ساخت. صفت‌های کوتاه روسی با اسمی که آن را توصیف می‌کنند، در جنس و شمار هماهنگ هستند. به‌عنوان مثال، پایانه آن‌ها در شمار مفرد جنس مذکر، صفر یا تهی است، در شمار مفرد جنس خنثی، پایانه *ое* و یا *ее* می‌پذیرند و در شمار مفرد جنس مؤنث، دارای پایانه *ая* و در مواردی *яя* هستند. صفت‌های بلند در زبان روسی قابلیت صرف‌شدن را دارند، اما صفت‌های کوتاه، صرف

نمی‌شوند. این صفت‌ها در جمله در نقش گزاره بکار می‌روند. از آنجایی که صفت‌های کوتاه در جملات زبان روسی، نقش گزاره را ایفا می‌کنند، پرسش مهمی مطرح می‌شود: صفت‌های کوتاه را در محاسبه آماری معادله بوزیمان در شمار فعل‌ها قرار دهیم یا صفت‌ها؟ به دلایل زیر به این نتیجه می‌رسیم که صفت کوتاه را باید در زمره فعل‌ها به‌شمار آورد:

۱) همان‌گونه که در بالا گفته شد، صفت‌های کوتاه در جملات روسی در نقش گزاره بکار می‌روند و همانند فعلی که در نقش گزاره بکار می‌رود، می‌توانند برای بیان زمان آینده و گذشته به همراه فعل کمکی «БЫТЬ» به صورت «БЫЛ, БЫЛО, БЫЛИ» در زمان گذشته و «БУДЕТ, БУДУТ» در زمان آینده بیابند. فعل کمکی بکار رفته در زمان گذشته و آینده، دقیقاً مانند فعل کمکی‌ای که با فعل‌های اصلی استفاده می‌شود، معنای دستوری زمان را به گزاره می‌افزاید و صفت کوتاه، معنای لغوی فعل را می‌رساند. این امر نشان می‌دهد که صفت کوتاه، دقیقاً نقش فعل اصلی را در جمله روسی ایفا می‌کند.

۲) این صفت‌ها، مانند فعل اصلی جمله در زمان حال، بدون فعل کمکی بکار می‌روند و نیازی به آن ندارند. علاوه بر این، جمله روسی دارای صفت کوتاه، جمله‌ای کامل است و نیازی به فعل ندارد. به گفته غلامی و دهقان خلیلی «صفت‌های کوتاه در جمله، از لحاظ مطابقت با اسم در شمار و جنس، مانند فعل عمل می‌کنند و نقش آن‌ها نیز در جمله، بیشتر شبیه فعل است» (غلامی و خلیلی دهقان ۱۲۶).

بر اساس دو دلیل ذکرشده، صفت‌های کوتاه روسی را در معادله بوزیمان در زمره افعال به‌شمار می‌آوریم.

حال به بررسی صفت‌های نسبی و ملکی در زبان روسی می‌پردازیم: صفت نسبی، صفتی است که بیانگر نسبت شخص یا چیزی به شخص دیگر یا چیز دیگر است. صفت‌های نسبی به ویژگی‌هایی همچون «ماده‌ای که شیء از آن ساخته شده» مانند «деревянный сарай»، «زمان» همانند «месячный отпуск» و «مکان» همانند «Лесной воздух» اشاره می‌کنند. این صفت‌ها را علی‌القاعده در معادله بوزیمان در شمار صفت‌ها مورد محاسبه قرار می‌دهیم.

صفت ملکی، بیانگر شخصی است که چیزی از آن اوست؛ همانند «Машина книга». ویژگی که این صفت آن را توصیف می‌کند، تعلق به یک فرد است. این صفت‌ها را نیز در محاسبه آماری معادله بوزیمان، در شمار صفت‌ها مورد محاسبه قرار می‌دهیم.

اما در زبان روسی، دو مقوله دستوری با عناوین «صفت فعلی» (participle) و «قید فعلی» (Verbal Adverb) نیز وجود دارد. از آنجایی که صفت فعلی، همان‌گونه که از نامش پیداست، کلمه‌ای است بر ساخته از فعل که ویژگی‌های دستوری «صفت» و «فعل» را در هم می‌آمیزد و قید فعلی، کلمه‌ای است که از «فعل» ساخته می‌شود و ویژگی‌های دستوری «فعل» و «قید» را دارد، باید تکلیف هر دو آن‌ها را در محاسبه آماری «فعل» و «صفت» در معادله بوزیمان مشخص نمود:

صفت فعلی به بیان وینوگرادوف، زبانشناس روس، عبارت است از «کلمه‌ای ترکیبی که حد واسط بین فعل و صفت است و برخی ویژگی‌های فعل همانند «گونه فعل (استمراری، مطلق)»، «زمان (حال و گذشته)»، «انعکاسی و غیرانعکاسی بودن» و «وجه» و برخی ویژگی‌های صفت مانند «شمار»، «جنس» و «تغییر بر اساس حالت گرامری یا پادژ» را داراست» (Виноградов 640). برای روشن‌شدن این که در محاسبه آماری بوزیمان، باید صفت‌های فعلی را به‌عنوان فعل یا صفت در نظر گرفت، به پژوهش‌هایی که درباره صفت‌های فعلی در زبان روس به رشته تحریر درآمده‌اند، مراجعه کردیم. در نتیجه‌گیری، یکی از جدیدترین پژوهش‌ها در این باره به قلم رزونوا (Резунова 133) را می‌خوانیم: «در علم زبان‌شناسی، نظریه واحدی در باب تعلق صفت فعلی به یکی از اقسام کلام وجود ندارد. زبانشناسان روسی، گاهی این کلمات را در زمره فعل‌ها و به‌عنوان شکلی از فعل، گاه آن‌ها را فرم هیبریدی یا ترکیبی فعلی-صفتی یا صفتی-فعلی و گاهی نیز صفت در نظر گرفته‌اند».

با دقت در کاربرد صفت‌های فعلی در زبان روسی، می‌توان به این نتیجه رسید که گرچه این کلمات از فعل مشتق می‌شوند، اما همواره وابسته به یک اسم هستند. به بیان دیگر، در جمله برای توصیف اسم بکار می‌روند و هیچ‌گاه نقش گزاره یا فعل را در کلام ایفا نمی‌کنند. در تمام جملاتی که صفت فعلی در آن‌ها بکار می‌رود، یک فعل به‌عنوان گزاره و تمام‌کننده جمله وجود دارد که بدون آن جمله ناقص و ناتمام است. به‌عنوان مثال، در جمله زیر، فعل «پایش لغزید» فعل اصلی و تمام‌کننده جمله است:

Человек, проходивший мимо меня, случайно споткнулся.

فردی که از کنار من می‌گذشت، ناگهان پایش لغزید.

صفت فعلی روسی در ترجمه فارسی معمولاً به‌صورت جمله‌واره وصفی به‌همراه حرف ربط «که» اسمی را که گزاره در بخش بعدی جمله درباره‌اش خبری می‌دهد،

توصیف می‌کند (مانند مثال بالا). این کلمات، گاهی اوقات نیز در زبان فارسی به صورت صفت ترجمه می‌شوند. به عنوان مثال:

На пороге стоял улыбающийся молодой человек в белой рубашке.

در آستانه در، مرد جوان خندانی با پیراهن سفید/بیستاره بود.

شایان ذکر است که امروزه تعدادی از صفت‌های فعلی روسی، مانند «учащийся» شاگرد، «Йищюахьдто» استراحت‌کننده، «Йищажулс» کارمند و «Йищярук» فرد سیگاری» به عنوان اسم در نظر گرفته می‌شوند و در جمله از نظر نحوی، نهاد به شمار می‌آیند. از آنجا که این گونه صفت‌های فعلی از نظر معنا و کارکرد نحوی، دقیقاً منطبق با صفت‌های فاعلی در زبان فارسی هستند که در معادله بوزیمان به عنوان صفت به شمار می‌آیند، در محاسبه آمار، به عنوان صفت در نظر گرفته می‌شوند.

از صفت‌های فعلی مجهول ۱ می‌توان فرم کوتاه ساخت. تمام ویژگی‌هایی که برای صفت‌های کوتاه برشمردیم، در مورد صفت‌های فعلی کوتاه نیز صدق می‌کند. یعنی این صفت‌ها در جمله در نقش گزاره یا فعل تمام‌کننده بکار می‌روند و به همین دلیل باید آن‌ها را در شمار فعل‌های معادله بوزیمان محاسبه کرد (برای آگاهی بیشتر به کنیازف (везянк) ۹۸۹۱ مراجعه شود).

Книга написана и отдана в издательство.

کتاب نوشته شد و به ناشر ارسال شد.

در مثال بالا، دو صفت فعلی کوتاه که پررنگ نوشته شده‌اند، به چشم می‌خورد. در ترجمه فارسی این دو صفت فعلی، نقش گزاره و فعل کامل‌کننده جملات را ایفا می‌کنند. بنابراین، همان‌گونه که پیشتر هم اشاره شد، صفت‌های فعلی کوتاه مجهول را در معادله بوزیمان در شمار افعال مورد محاسبه قرار می‌دهیم.

حال به بررسی قیدهای فعلی و چگونگی محاسبه آن‌ها در معادله بوزیمان می‌پردازیم: قید فعلی در زبان روسی گاهی به عنوان شکل خاصی از فعل (ایساچنکو (Исаченко) و لکانت (Лекант) (۱۹۹۹) و گاهی به عنوان شکل ترکیبی فعل و قید که ویژگی‌های دستوری فعل و قید را در هم می‌آمیزد (وینوگرادوف، ۱۹۸۶) (پیشکوفسکی 1956 Пешковский)، شناخته می‌شود. قید فعلی همانند قید معمولی، صرف نمی‌شود، در جمله دارای معانی قیدی و ظرف است و مفهوم زمانی (در صورت مشتق شدن از گونه

استمراری فعل، بیانگرهم زمانی با عملی که فعل اصلی یا گزاره بیان می‌کند، می‌باشد. در صورت مشتق شدن از گونه کامل فعل، بیانگر این است که عمل قید فعلی پیش از گزاره انجام شده)، علت و شرط را به فعل جمله می‌افزاید. قید فعلی دارای همان معنای لغوی فعلی است که از آن مشتق شده، حالت طلبی^۱ فعل اولیه را حفظ می‌کند، می‌تواند همانند فعلی که از آن ساخته می‌شود، انعکاسی باشد، گونه و وجه فعل اولیه نیز در قید فعلی منعکس می‌شود. به‌عنوان مثال:

Читая книгу, Митя отвечал на вопросы родителей.

میتیا در حالی که کتاب می‌خواند (با خواندن کتاب) به پرسش‌های والدینش پاسخ می‌داد (قید فعلی مشتق از فعل استمراری، معنای هم‌زمانی با فعل اصلی جمله).

Написав письмо, я отправил его по электронной почте.

پس از نوشتن نامه، آن را از طریق پست الکترونیک ارسال کردم (قید فعلی مشتق از فعل مطلق، در معنای عملی که پیش از فعل اصلی رو به اتمام است).

برای یافتن پاسخ به این پرسش که آیا می‌توان قید فعلی را در محاسبه آماری معادله بوزیمان در زمره فعل‌ها به‌شمار آورد، به منابع روسی مراجعه کردیم. شودووا (Шведова) (۱۹۷۰) و (۱۹۸۰)، وینوگرادوف (۱۹۵۲-۱۹۵۴) و رازوموسکایا (Разумовская) (۲۰۰۱) در کتاب‌های دستور زبان روسی خود به این نکته اشاره می‌کنند که قید فعلی در جملات در نقش گزاره وابسته (dependent predicate) ظاهر می‌شود. البته چنین نقشی در میان ارکان جمله وجود ندارد و به‌همین دلیل برای آن نقش ظرف (adverbial) در نظر می‌گیریم که می‌تواند به زمان، علت و شرط فعل اصلی جمله اشاره کند.

در نظر گرفتن نقش ظرف، و نه نقش گزاره برای قید فعلی در جملات روسی این‌گونه به اثبات می‌رسد:

۱. پرسش‌هایی که قید فعلی به آن‌ها پاسخ می‌دهد، عبارتند از: «когда چه زمانی؟»، «почему? چرا؟» و «при каком условии? تحت چه شرایطی؟» که همان پرسش‌هایی هستند که ظروف زمان، علت و شرط به آن‌ها پاسخ می‌دهند.
۲. اگر قید فعلی را به‌صورت ترکیب با حروف اضافه، که این ترکیب مترادف قید فعلی است، بنویسیم به نقش قیدی (ظرف) آن‌ها بیشتر پی خواهیم برد. به‌عنوان مثال:

Окончив школу = по окончании школы = после школы پس از مدرسه

۳. «فعل‌هایی که در معادله بوزیمان مورد محاسبه قرار می‌گیرند، دارای دو ویژگی «حدث» و «زمان» هستند». (السامرائی ۱ / ۲۰۸). به این معنی که انجام‌دادن کار یا روی‌دادن حالتی را در زمان مشخص بیان می‌کنند. شرط اول، یعنی «حدث» درباره قیدهای فعلی محقق می‌شود، اما این کلمات گاهی به‌کلی هیچ اشاره‌ای به زمان ندارند و همان‌گونه که اشاره شد، به علت، شرط و چگونگی عمل اشاره می‌کنند. حتی اگر دربردارنده معنای زمانی باشند، بیانگر زمان مشخصی نیستند و زمان آن‌ها با توجه به زمان فعل اصلی جمله مشخص می‌شود. در مثال‌های زیر، این موضوع بیشتر مشخص می‌شود:

Она слушала музыку, закрывая глаза.

چشمانش را بسته بود و موسیقی گوش می‌داد (با چشمان بسته).

Она слушает музыку, закрывая глаза.

چشمانش را بسته است و موسیقی گوش می‌دهد (با چشمان بسته). در این دو مثال از قید فعلی یکسانی استفاده شده، اما در مثال اول به دلیل اینکه زمان فعل اصلی جمله، گذشته است، قید فعلی نیز به زمان گذشته اشاره می‌کند. در مثال دوم که زمان فعل اصلی، حال است، قید فعلی نیز بیانگر عملی در زمان حال می‌باشد. بنابراین، قید فعلی روسی را در معادله بوزیمان در شمار فعل‌ها به حساب نخواهیم آورد و نیز نمی‌توانیم این کلمات را در زمره صفت‌ها به شمار آوریم.^۱

روش پژوهش

روش پژوهش آماری-تحلیلی با رویکرد سبک‌شناسانه است. پس از استخراج فعل‌ها و صفت‌ها از باب ششم گلستان سعدی و ترجمه آن، نسبت فعل به صفت (VAR) (ن.ف.ص.) محاسبه خواهد شد و بر این اساس میزان ادبیت متون مورد بررسی، سنجیده می‌شود.

1. <http://rusgram.ru>

یافته‌های پژوهش

اجرای معادله بوزیمان در باب ششم گلستان سعدی و ترجمه آن در این مقاله، باب ششم گلستان سعدی و ترجمه آن به قلم علیف و استاراستین (۱۹۵۷) برای اجرای معادله بوزیمان و مقایسه میزان ادبیت متن اصلی و متن ترجمه و ارزیابی ترجمه روسی از حیث ادبیت انتخاب شده‌اند. از آنجایی که بررسی تمام متن گلستان و ترجمه آن در این مقال نمی‌گنجد، باب ششم آن برای بررسی انتخاب شد. در بررسی این دو اثر، فعل‌ها و صفت‌ها بر اساس معیارهایی که ذکر آن‌ها در بالا آمد، به‌طور دقیق گزینش و محاسبه شدند تا جامعه آماری دقیقی ارائه شود.

در ابتدا برای نمونه، حکایت اول از باب ششم گلستان سعدی و سپس ترجمه آن مورد بررسی قرار خواهد گرفت و سپس نتایج بررسی دیگر حکایات، در قالب جدول ارائه می‌شود. در هر جدول که بر اساس شماره حکایت‌ها تنظیم شده، تعداد فعل‌ها و صفت‌ها و نسبت فعل به صفت مشخص می‌شود.

نمونه اول: کلماتی که در شمار فعل‌ها محاسبه می‌شوند، پررنگ شده‌اند و کلماتی که در شمار صفت‌ها هستند، مورب نشان داده شده‌اند.

طایفه *دانشمندان* (صفت مطلق برای طایفه) در جامع دمشق بحثی همی‌کردم که جوانی در آمد و گفت: در این (ضمیر اشاره) میان کسی هست که زبان پارسی بداند؟ غالب اشارت به من کردند. گفتمش: خیر است! گفت: پیری صد و پنجاه ساله در حالت نزاع است و به زبان عجم چیزی همی‌گوید و مفهوم ما نمی‌گردد. گر به کرم رنجه شوی مزد یابی، باشد (در معنای امید است) که وصیبتی همی‌کند. چون به بالینش فراز شدم، این می‌گفت:

دمی چند گفتم بر آرم به کام دریغا که بگرفت راه نفس
دریغا که بر خوان *لوزان* (صفت مطلق) عمر دمی خورده بودیم و گفتند بس
معانی این سخن را به عربی با *شامیین* (صفت نسبی) همی‌گفتم و تعجب همی‌کردند از
عمر *رراز* (صفت مطلق) و تأسف او همچنان بر حیات دنیا.
گفتم: چگونه (صفت پرسشی نیست چون پیش از اسم نیامده) ای (در معنای هستی) در
این حالت؟ گفت: چه گویم؟
ندیده‌ای که چه (صفت مبهم) سختی همی‌رسد به کسی که از دهانش به‌در می‌کنند

دندانی

قیاس کن که چه حالت بود در آن ساعت که از وجود عزیزش (صفت مطلق) به در

رود جانی

گفتم: تصور مرگ از خیال خود به در کن و وهم را بر طبیعت مستولی مگردان که

فیلسوفان یونان گفته‌اند: مزاج ارچه مستقیم بود، اعتماد بقاء را نشاید و مرض گرچه

هایل (صفت مطلق)، دلالت کلی بر هلاک نکند. اگر فرمایی طبیبی را بخوانم تا معالجت

کند.

دیده برکرد و بخندید و گفت:

دست برهم زند طبیب ظریف (صفت مطلق) چون حرف (صفت مطلق) بیند اوفتاده

حریف

خواجه در بند نقش ایوان است خانه از پایبند ویران است

پیرمردی ز نزع می‌نالید پیرزن صندلش همی مالید

چون مخبط شد اعتدال مزاج نه عزیمت اثر کند نه علاج

نمونه دوم:

Однажды я вел диспут с несколькими учеными в соборной мечети Дамаска. В это время вошел какой-то юноша и спросил:

— Есть ли среди вас кто-либо, кто знаком с персидским языком?

Ему указали на меня. Я спросил:

— Что случилось?

— Один стопятидесятилетний старик, — ответил он, — находится на смертном одре и что-то говорит на персидском языке, а мы не понимаем.

Если ты сделаешь милость и потрудишься посетить его, то получишь вознаграждение — быть может, он как раз говорит, что кому завещает!

Когда я подросел к изголовью старика, он говорил следующее:

Я думал подышать хотя б одно мгновенье —

Увы! Преграждена дыхания стезя!

На жизненном пиру хотел вкусить я пищи —

Едва я съел кусок, мне говорят: «Нельзя!»

Смысл этих слов я передал по-арабски сирийцам, и они удивлялись, как он долго прожил и тому, что при этом он все еще жалел расстаться с этим светом.

— Как ты чувствуешь себя в таком состоянии? — спросил я.

— Что мне сказать? — молвил он.

Если только зуб бедняге вырвут —

Мучится от боли человек;

Что ж, представь себе, бывает с теми,

Кто с душой прощается навек?

— Выкинь из головы всякие мысли о смерти, — успокаивал я его, — пусть твоим существом не овладевает страх, ибо греческие философы правильно говорят о подобных вещах: «Нельзя надеяться на долговечность,

хотя бы состояние здоровья было хорошим, и болезнь, если даже она очень

тяжела, еще не служит верным признаком смерти». Если велишь, я позову

врача, чтобы лечить тебя.

Он раскрыл глаза, улыбнулся и промолвил:

Искусный врач хлопочет над больным,

Когда больной умолк и недвижим...

Хозяин яркой краской красит зданье,

Хоть рушится, истлевши, основанье...

Старик в предсмертных корчах застонал —

Старуха трет для бороды сандал...

Утрапишь равновесие здоровья —

Поверь, что смерть стоит у изголовья.

نتیجه بررسی نمونه اول:

در این حکایت، در مجموع ۵۰ فعل، بر اساس آنچه درباره فعل‌هایی که در زبان فارسی در معادله بوزیمان محاسبه می‌شوند، وجود دارد. در این حکایت، ۹ صفت وجود دارد. نسبت فعل به صفت در حکایت مورد نظر عبارت است از خارج قسمت تقسیم تعداد فعل‌ها بر تعداد صفت‌ها که برابر است با ۰.۵۵.

نتیجه بررسی نمونه دوم:

در این ترجمه، در مجموع ۵۶ فعل و ۱۷ صفت بکار رفته است. نسبت فعل به صفت در این ترجمه برابر است با ۳.۲۹. از آنجایی که بررسی تمام حکایات این باب گلستان سعدی و ترجمه آن‌ها به این صورت در این مجال محدود نمی‌گنجد، نتیجه بررسی‌ها و محاسبات در قالب جداولی ارائه خواهد شد:

جدول (۱). اطلاعات وصفی حکایت ۲ از باب ششم گلستان و ترجمه آن

موضوع مورد بررسی	تعداد فعل	تعداد صفت	ن.ف.ص
حکایت ۲ باب ۶ گلستان سعدی	۶۲	۲۷	۲,۲۹
ترجمه حکایت ۲ باب ۶ گلستان سعدی به قلم علیف و استاراستین	۵۳	۴۵	۱,۱۷

جدول (۲). اطلاعات وصفی حکایت ۳ از باب ششم گلستان و ترجمه آن

موضوع مورد بررسی	تعداد فعل	تعداد صفت	ن.ف.ص
حکایت ۳ باب ۶ گلستان سعدی	۱۶	۳	۵,۳۳
ترجمه حکایت ۳ باب ۶ گلستان سعدی به قلم علیف و استاراستین	۱۸	۸	۲,۲۵

جدول (۳). اطلاعات وصفی حکایت ۴ از باب ششم گلستان و ترجمه آن

موضوع مورد بررسی	تعداد فعل	تعداد صفت	ن.ف.ص
حکایت ۴ باب ۶ گلستان سعدی	۱۸	۴	۴,۵
ترجمه حکایت ۴ باب ۶ گلستان سعدی به قلم علیف و استاراستین	۱۴	۷	۲

جدول (۴). اطلاعات وصفی حکایت ۵ از باب ششم گلستان و ترجمه آن

موضوع مورد بررسی	تعداد فعل	تعداد صفت	ن.ف.ص
حکایت ۵ باب ۶ گلستان سعدی	۲۷	۱۱	۲,۴۵
ترجمه حکایت ۵ باب ۶ گلستان سعدی به قلم علیف و استاراستین	۲۶	۱۴	۱,۸۵

جدول (۵). اطلاعات وصفی حکایت ۶ از باب ششم گلستان و ترجمه آن

موضوع مورد بررسی	تعداد فعل	تعداد صفت	ن.ف.ص
حکایت ۶ باب ۶ گلستان سعدی	۹	۲	۴,۵
ترجمه حکایت ۶ باب ۶ گلستان سعدی به قلم علیف و استاراستین	۹	۷	۱,۲۸

جدول (۶). اطلاعات وصفی حکایت ۷ از باب ششم گلستان و ترجمه آن

موضوع مورد بررسی	تعداد فعل	تعداد صفت	ن.ف.ص
حکایت ۷ باب ۶ گلستان سعدی	۱۱	۵	۲,۲
ترجمه حکایت ۷ باب ۶ گلستان سعدی به قلم علیف و استاراستین	۱۴	۷	۲

جدول (۷). اطلاعات وصفی حکایت ۸ از باب ششم گلستان و ترجمه آن

موضوع مورد بررسی	تعداد فعل	تعداد صفت	ن.ف.ص
حکایت ۸ باب ۶ گلستان سعدی	۱۱	۲	۵,۵
ترجمه حکایت ۸ باب ۶ گلستان سعدی به قلم علیف و استاراستین	۱۲	۹	۱,۳۳

جدول (۸). اطلاعات وصفی حکایت ۹ از باب ششم گلستان و ترجمه آن

موضوع مورد بررسی	تعداد فعل	تعداد صفت	ن.ف.ص
حکایت ۹ باب ۶ گلستان سعدی	۲۲	۶	۳,۶۶
ترجمه حکایت ۹ باب ۶ گلستان سعدی به قلم علیف و استاراستین	۱۹	۷	۲,۷۱

۵. بحث و نتیجه‌گیری

نظر به اطلاعات و آمار ارائه‌شده درباره تعداد فعل‌ها و صفت‌ها در حکایت‌های باب ششم گلستان سعدی و ترجمه آن به قلم علیف و استاراستین، نسبت کلی فعل به صفت در متن اصلی و متن ترجمه به صورت زیر است:

جدول ۹. نسبت کلی فعل به صفت در باب ششم گلستان سعدی و ترجمه آن به قلم علیف و استاراستین

ترجمه باب ۶ گلستان سعدی		باب ۶ گلستان سعدی	
۲۲۱	مجموع فعل‌ها	۲۲۶	مجموع فعل‌ها
۱۲۱	مجموع صفت‌ها	۶۹	مجموع صفت‌ها
۱,۸۲	ن.ف.ص	۳,۲۷	ن.ف.ص

نسبت‌های فعل به صفت به‌دست‌آمده در این بررسی، نمایانگر این است که میزان استفاده از فعل در مقایسه با صفت در باب ششم گلستان سعدی، به‌عنوان بخشی از این

اثر فخیم که نماینده کل این اثر ادبی است، تقریباً سه‌وینم برابر استفاده از صفت است. در ترجمه باب ششم گلستان، میزان استفاده از فعل‌ها، تقریباً دو برابر استفاده از صفت‌ها می‌باشد.

اعداد به‌دست‌آمده نشان می‌دهند که سبک گلستان سعدی یعنی متن اصلی، نسبت به ترجمه علیف و استاراستین از ادبیت بیشتری برخوردار است، زیرا نسبت فعل به صفت در گلستان سعدی، بیشتر از ترجمه آن است.

نتیجه‌گیری

سعد مصلوح عواملی را در افزایش یا کاهش VAR (ن.ف.ص) مهم برمی‌شمارد که به دو دسته «عوامل ساختاری» و «عوامل محتوایی» تقسیم می‌شوند. عوامل ساختاری دخیل در میزان نسبت فعل به صفت عبارتند از:

- در سخن شفاهی، نسبت فعل به صفت بیشتر از سخن کتبی است.
- VAR در شعر بیشتر از نثر است.
- VAR در متون عامیانه با لهجه‌های محلی، بزرگ‌تر از متون فصیح است.
- VAR در متن ادبی دیالوگ‌محور، بزرگ‌تر از متن ادبی مونولوگ‌محور و در حدیث نفس، بسیار بیشتر است.
- VAR در اشعار غنایی، بزرگ‌تر از اشعار حماسی و به‌ویژه تعلیمی است.
- VAR در نثر مسجع و آهنگین، بزرگ‌تر از VAR در نثر مرسل است.
- VAR در اشعار کلاسیک به‌دلیل وجود وزن و قافیه، بزرگ‌تر از VAR در اشعار آزاد و نیمایی است.
- VAR در متونی که از آرایه‌های لفظی و معنوی بیشتری برخوردارند، بزرگ‌تر از متون علمی است (برای بررسی بیشتر، به امیدوار و همکاران ۱۸ مراجعه شود)

عوامل محتوایی دخیل در افزایش یا کاهش VAR عبارتند از:

۱. عمر و سن نویسنده، نسبت فعل به صفت در گفتار و نوشتار در دوره کودکی و جوانی، بیشتر از دوره پیری و کهن‌سالی است.
 ۲. جنسیت نویسنده و گوینده نیز در میزان نسبت فعل به صفت، اثرگذار است. به گفته مصلوح «میزان ن.ف.ص در زنان بیشتر از مردان است» (مصلوح ۸۱).
- عواملی که برشمردیم برای هر دو اثر مورد بررسی یکسان هستند، زیرا اولاً نویسنده

متن اصلی، سعدی و مترجمان آن، علیف و استاراستین، هر سه مرد بودند و متن اصلی گلستان و ترجمه آن دارای زبان فصیح هستند. موضوع هر دو اثر به دلیل اینکه یکی ترجمه دیگری است، یکسان است و اشعار اصلی در زبان روسی به شعر برگردانده شده‌اند. یعنی در این پژوهش، میزان ادبیت زبان نثر را با زبان شعر مقایسه نکردیم. نثر گلستان سعدی، مسجع است و علیف و استاراستین کوشیده‌اند تا به مدد استفاده از کلمات هم‌قافیه روسی و جناس (برای آگاهی بیشتر به اسکندری و سعیدی ۲۰۲۱، مراجعه شود) ترجمه خود را هر چه بیشتر به متن اصلی نزدیک کنند.

از عوامل محتوایی می‌توان به عامل عمر نیز اشاره کرد. استاد سخن، سعدی (۶۰۶ ه. ق.) در زمان نگارش گلستان، ۵۰ ساله بود و میانگین سن مترجمان اثر در زمان ترجمه، ۳۵ سال بود (علیف، سی‌ساله و استاراستین، چهل‌ساله بود).

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بر اساس معادله بوزیمان، سبک باب ششم گلستان از ترجمه آن از ادبیت بیشتری برخوردار است، اما نسبت فعل به صفت در هر دو متن مورد بررسی، بیانگر تفاوت چشمگیر این نسبت در متن اصلی و ترجمه نیست. نسبت کلی فعل به صفت در گلستان سعدی، ۳،۲۷ و در ترجمه علیف و استاراستین، ۱،۸۲ می‌باشد. از نظر نگارندگان مقاله حاضر، دلایلی که نسبت فعل به صفت در ترجمه علیف و استاراستین، تفاوت زیادی با این نسبت در متن اصلی ندارد، در موارد زیر خلاصه می‌شود:

۱) ترجمه شعر به شعر دارای وزن و قافیه در مواجهه با اشعار گلستان سعدی: اگر مترجم از روش دیگری برای ترجمه اشعار گلستان سود می‌جست، VAR کاهش می‌یافت. به گفته کدکنی (۱۳۹۱: ۷۶) «ایجاد فضای موسیقایی با فعل، هم‌سویی دارد؛ تا جایی که بسامد کاربرد افعال در قافیه‌ها بسیار بالا می‌باشد» و افزایش تعداد فعل‌ها، منجر به افزایش عدد VAR در ترجمه شده است.

۲) استفاده از کلمات هم‌قافیه و جناس لفظی و معنوی در زبان روسی در مواجهه با نثر مسجع گلستان. «کاربرد بیشتر فنون بیانی و آرایه‌های لفظی و معنوی، متن را به سبک ادبی نزدیک‌تر می‌کند و بر افزایش ارزش VAR (ن.ف.ص) تاثیرگذار است (امیدوار و همکاران ۱۸).

۳) کم‌تر بودن سن مترجمان نسبت به نگارنده متن اصلی، یعنی سعدی شیرازی. و در نهایت با عنایت به آنچه گفته شد، به این نتیجه می‌رسیم که علیف و استاراستین

از عهده انتقال ادبیت متن باب ششم گلستان، به‌عنوان نمونه و نماینده کل این اثر، به زبان روسی برآمده‌اند.

Studying and Comparing the Level of Literariness of the Sixth Chapter of Saadi's Golestan and its Russian Translation Based on the Busemann Equation

Mahnoosh Eskandary¹, Ali Saeidi²

Abstract

Introduction: As the investigation of the Wessex's paratextual material reveals, Hardy's insightful conviction on the primacy of emotional reasoning over logical cognition in the mind's nexus informs his predetermined intentionality in assigning the impressionistic elicitation of affective responsiveness as the ultimate mission of his literary compositions. Accordingly, the Wessex novelist develops a sophisticated fabric of interconnected narrative strategies to effectively evoke and enlist the subject readers' empathetic identification with the desolately suffering protagonists. Since humankind is condemned to the inflictions of a sinisterly indifferent universe in Hardy's fixated philosophy, the affective investments of his impressionistic narratives purportedly aim at the altruistic propagation of empathetic compassion to rectify moral degeneration as the sole consolation for the confounded human existence. However, it is critical to reconsider the functional basis of the Wessex's methodical dominion on emotional susceptibilities in the scope of contemporary research in affective narratology since the instrumental capitalization on affective realism harbors grave capacity for engraving the intended versions of perceived reality.

Introduction: The recent investigations carried out in the multidisciplinary scope of neuroscience attest to the pre-eminence of emotional susceptibilities over reasoning faculty in the complex mind network revolutionizing the conventional theories on the cognitive function in the reality perception

1. Russian Department. Allameh Tabatabai University. Tehran-Iran

2. Ph.D. in Teaching Russian Language. Faculty of Letters and Foreign Languages, The University of Tehran- Iran

process. The revitalized focus on the overarching emotional orientation of the mind's cognitive performance extends to literature in the sub-domain of affective narratology and informs the analytical research on its function and impact in narrative discourses by such renowned scholars as Suzanna Keen. In *Empathy and the Novel*, Keen discusses the stylistic features and strategic techniques that elicit empathetic responsiveness in the narrative discourses leading to the subject readers' affective identification with the represented fictional characters or situations. "Narrative Empathy Theory" and "Introduction: Narratives and Emotions" incorporate Keen's evaluation of the role of discursive elements such as characterization style and narrator's function in the empathetic enlistment process and provide innovative concepts in the categorization of the various strategies of empathetic evocation in the narrative discourses that perform as "ideoartistic battlefields".

Background Studies: The theoretical framework and the discourse analysis procedures in affective narratology are informed by the current research in the interconnected branches of knowledge including neurology, linguistics, sociology, and evolutionary psychology. The remarkable investigations of such prominent scholars as Suzanna Keen in affective narratology challenge the long-established emotion-reason binary by emphasizing the determining primacy of emotional susceptibility in the reciprocal interaction of the mind nexus's cognitive and affective faculties in forming the interpretation gestalts of literary narrative discourses. Investigating the process of the Wessex's affective impressionism through the analytical discursive reassessments in light of the latest neuro-scientific theories is crucial in uncovering the functional bases of Hardy's methodical efficiency in the strategic capitalization on the audience's empathetic identification. The critical reflections emergent from the affective approach can highlight the repercussions of the alarming interfusion of ideological imposition

with emotional impressionism challenging the claimed practicality of the empathy-altruism hypothesis in literature for the real-life rectification of communal morality

Methodology and Argument: In this research, the level of literariness of the sixth chapter of Saadi's *Golestan* and the translation of this chapter by Aliev and Starostin have been investigated. The questions that we are trying to find answers to in this article, which was written with a descriptive-analytical method, are: According to the criteria of the Busemann's equation, is the text of *Golestan* more literary or the text of its translation? What factors have influenced the literariness of both works? The hypothesis of the research is that because the poems of *Golestan* Saadi were translated by Aliev and Starostin into Russian poetry and because of this fact that these two translators were younger than Saadi, and Aliev and Starostin resorted to the solution of compensating for the loss of meaning in translating of the verbal and semantic puns of *Golestan*, the literariness of the translation of the sixth chapter of *Golestan* is lower than the original text, but it is acceptable.

Conclusion: The saturated impressionism of the Wessex narratives is significantly enforced by the remarkable correspondence of the interconnected discursive strategies with the latest findings on the primary role of the mind's affective faculty in shaping perceptions of reality. The stylistic assessment of Hardy's narrative techniques to capitalize on empathetic identification indicates the substantial correspondence of his realistic representations with the principles of affective realism in present-day theories. The compelling urge on the subject readers' affective susceptibilities is emphatically enforced through the discursive applications of the parallelism between the mind's inner emotional valences with the projections of the outer world, their reciprocal interdependency in the forming the gestalt of

a perceived cognitive reality and the consequent conception of the intentionality of an outer sentiency. However, the Wessex's overwhelming investment in affective impressionism alarmingly facilitates the channeling of the dark ideological propositions of a sinister philosophy through the self-prophesizing transfigurations of reality that can act as deterministic forces in fashioning the individuals' reciprocal interactions with the socio-cultural context.

Keywords: Affective Sensibility, Empathy, Affective Narratology, Impressionism, Affective Realism, Wessex Novels

References

- Al-Samrai, Fazil Saleh (1998). *Syntax meanings*. Amman: Dar al-Fikr.
- Emad Afshar, Hossein (1372). *Persian construction grammar*. Tehran: Al-lameh Tabatabai University.
- Farshidvard, Khosrow (2005). *Arabic in Farsi*. Tehran: University of Tehran.
- Fotuhi, Mahmoud (2015). *Stylistics, theories, approaches and methods*. 1st edition, Tehran: Sokhan.
- Gholami, Hossein and Khalili Dehghan, Mojdeh (2012). "Investigation of short adjectives compared to long adjectives in the Russian language", *Linguistic Research Quarterly of Al-Zahra University*, 9, 123-141.
- Isachenko A.V. (2003). *The grammatical structure of the Russian language in comparison with Slovak. Morphology*. M.: Vena.
- Iskandari M., Saidi A. (2021). "Methods of Translating Lexical and Phonetic Puns from Persian into Russian (Based on "Gulistan" by Saadi Shirazi)". *Journal of the Southwestern State University, a series of linguistics and pedagogy*. 11(2). 58-67.
- Khayampour, Abdul Rasool (2004). *Persian grammar*. 12th edition, Tabriz: Sotoudeh.
- Knyazev Yu.P. (1989). *Actionality and staticity: their relationship in Russian constructions with participles ending in -н, -м*. Munich: Otto Sagner.
- Lekant P.A., Markilova T.V. et al. (1999). *Syntax. syntactic synonymy*. Handbook for high school teachers. M.
- Modarresi, Fatemeh (2006). *From phoneme to sentence*. Tehran: Chapar.
- Maslouh, Saad (1992). *Style: statistical vocabulary course*. Cairo: Alam al-Kitab.
- Naimi, Zohre and Tarabi Hor, Leila (2018). "An examination of the literariness of style of the poetry collection "Qalat li al-Samra" by Nizar Qabbani and "Rastakhiz" by Simin Behbahani based on Busemann's equation". *Journal of*

Comparative Literature, 9(4), 123-143.

- Najarian, Mohammadreza and Rostami Raziéh (2012). "Adjective comparison in Persian and Arabic languages". *Comparative Literature Journal*, 16(34), 291-316.
- Omidvar, Ahmad, Hadilu, Bahman and Davari Dolatabadi, Mehdi (2019). "Literariness of the Hashemiat of Komit Asadi and Hijaziat of Sharif Razi in the Busemann equation". *Criticism of Arabic Literature*, 20, 6-29.
- Peshkovsky A.M. (1956). *Russian syntax in scientific coverage*. Moscow: Academy of Sciences.
- Razumovskaya M.M. et al. (2001). *Russian language: textbook for 8 class*. M.: Drofa.
- Rezunova M.V. (2017). "On part-speech attribution of participles in languages". *Philological sciences: Questions of theory, practice*. 5(71). 133-135.
- Saadi Shirazi (1959). *Gulistan*. Translated. Aliev, R., Starostin, A. M.: Eastern Literature Pub.
- Saadi Shirazi (1999), *Golestan Saadi*, edited and explained by Khalil Khatib Rahbar, 12th edition, Tehran: Safi Alishah.
- Shafi'i Kadkani, Mohammad Reza (2011). *Resurrection of words*. 3rd edition, Tehran: Sokhan Publications.
- Shvedova N.Yu. (1970). *Grammar of the modern Russian literary language*. M: Nauka.
- Shvedova N.Yu. (1980). *Russian grammar*. M: Nauka.
- Vafaei, Abbas Ali (2018). *Persian grammar*. Tehran: Samt.
- Vinogradov V.V. (1986). *Russian language (grammatical doctrine of the word)*. M.: Vyshaja Shkola.
- Vinogradov V.V. and others (1960). *Grammar of Russian language*. M.: Nauka.
- Zolnoor, Rahim (1348). *Persian grammar*. 2nd edition, Tehran: Arganon.